

امام خمینی (و.ه)

و مبانی نظری سیاست خارجی

□ محمد ستوده

مقدمه

قلمرو مطالعاتی سیاست خارجی همانند سایر حوزه‌های مطالعاتی، با نظرات، تحلیلها و دیدگاههای متفاوتی مواجه شده است و تلاش محققان و اندیشمندان جهت مفهومی و نظری کردن وقایع، رخداد‌های بین‌المللی و مبانی رفتار دولتها، همواره با موانع و مشکلات خاص نظریه پردازی مشابه سایر رشته‌های علوم انسانی روبرو گردیده است. این امر در عرصه‌ای که همچنان فاقد اقتدار محیط داخلی است و مهمترین خصلت آن، عدم قوه فائقه یا آنا‌رشی است، دو چندان می‌گردد^(۱) و این سؤال اساسی همیشه مطرح بوده که چگونه می‌توان سیاست خارجی را مطالعه نمود؟ مبانی رفتارهای تخصمی دولتها چیست؟ دولتها چگونه در شرایط بحرانی تصمیم‌گیری می‌نمایند؟ فرایند سیاست‌گذاری خارجی چگونه شکل می‌گیرد و به طور کلی، متغیرهای مؤثر در شکل دهی به جهت‌گیریها و اهداف سیاست خارجی کدامند؟

برخی اندیشمندان از جمله مک‌کلاند، مدلسکی، روزکرانس و کاپلان، سیاست خارجی را از منظر نظام بین‌المللی یا سطح کلان مورد توجه قرار داده‌اند.^(۲) از نظر این صاحب نظران، دولتها صرفاً در چارچوب نظام بین‌المللی توان اقدام داشته و سیاست

خارجی، با توجه به ساختار و فرایندهای نظام بین الملل محدود می شود. در این دیدگاه، یا تمایزات داخلی دولتهای عضو نظام بین المللی لحاظ نمی گردد و یا برای متغیرهای داخلی نقش ناچیزی قائل می شوند. بر این اساس، در مطالعه سیاست خارجی، باید ساختارها، فرایندها، قواعد، ارزشها و اهداف نظام بین المللی را شناخت. متفکران دیگری از جمله ریچارد اسنایدر، ژوزف فرانکل، بیشتر توجه خود را به متغیرهای داخلی معطوف داشته و رفتار خارجی کشورها را عمدتاً تابعی از عوامل و عناصر داخلی دانسته اند. در این سطح، متغیرهای متعددی مورد مطالعه قرار می گیرد و از میان آنها، باورها، ارزشها و تصاویر ذهنی فرد سیاستگذار، از اهمیت خاص برخوردار است.^(۳) و دسته دیگری از متخصصان روابط بین المللی؛ مانند هانریدر و جیمز روزنا به اتصال دو محیط داخلی و بین المللی پرداخته و برای مطالعه سیاست خارجی توجه به هر دو سطح را لازم می دانند.^(۴) برخی نیز با توجه به نظریه سیستمها، به بررسی سیاست خارجی از جمله بازدههای آن پرداخته اند.^(۵)

مقاله حاضر که در پی فهم و شناخت سیاست خارجی با عنایت به اندیشه های امام خمینی (ره) می باشد، در صدد است مبانی نظری و نقطه عزیمت امام (ره) را در نگرش به سیاست خارجی مشخص سازد و با بهره گیری از نظرات ایشان، حوزه سیاست خارجی را که مشحون از همکاری، رقابت، تعارض و خصومت است، مطالعه و تحلیل نماید. بدین منظور و در پاسخ به مسأله اصلی، آنچه به عنوان چارچوب مفهومی جهت مطالعه سیاست خارجی پیشنهاد می گردد، پژوهش سیاست خارجی با توجه به سه متغیر انسان، محیط و نقشهای ملی است که از میان آنها، متغیر انسان بیشترین اهمیت را دارد.

۱- متغیر انسان

۱-۱- ماهیت انسان

حضرت امام خمینی (ره) با نگرش عرفانی و اخلاقی خود، توجه ویژه ای به باطن، روحیات، صفات، خلیات و کردار انسان نموده و در بیانات و تقریرات خود در بررسی انسان، به فرد یا انسان مهذب و غیر مهذب پرداخته است، در آثار امام (ره)، انسان، گاهی «انسان بما هو انسان» و زمانی در مقام یک زمامدار و فرد سیاستگذار و در جایی به

صورت افراد یا جامعه انسانی مورد توجه قرار می‌گیرد و اقدامات آن، سیاست داخلی و خارجی را بر حسب موقعیت، به درجات متفاوت تحت تأثیر قرار می‌دهد. امام (ره) در رابطه با خلقت انسان می‌فرماید: «بدان که انسان اعجوبه‌ای است دارای دو نشئه و دو عالم؛ نشئه ظاهره ملکیه دنیویه که آن بدن اوست و نشئه باطنیه غیبیه ملکوتیه که از عالم دیگر است»^(۶)

امام (ره) نفس انسان را در بدو فطرت همانند صفحه‌ای خالی از مطلق نقوش می‌داند که نور استعداد و لیاقت برای حصول هر مقامی در او ودیعه گذاشته شده است و درباره نحوه رشد و نمو نفوس انسانی می‌فرماید:

«بدان که نفوس انسانی در بدو ظهور و تعلق آن به ابدان و هبوط آن به عالم ملک، در جمیع علوم و معارف و ملکات حسنه و سیئه؛ بلکه در جمیع ادراکات و فعلیات بالقوه است و کم‌کم رو به فعلیت گذارد به عنایت حق جلّ و علاء و ادراکات ضعیفه جزئیّه اول در او پیدا شود، از قبیل احساس لمس و حواس ظاهری دیگر الا حسّ فالاحسّ، و پس از آن، ادراکات باطنیه نیز به ترتیب در او حادث گردد؛ ولی در ملکات باز بالقوه باشد، و اگر در تحت تأثیراتی واقع شود، به حسب نوع ملکات خبیثه در او غالب شود و متمایل به زشتی و ناهنجاری گردد... و چون عنایت حق تعالی و رحمتش شامل حال فرزند آدم در ازل بود، دو نوع از مربی و مهذب به تقدیر کامل در او قرار داد که آن دو به منزله دو بال است... و این دو یکی مربی باطنی، که قوه عقل و تمیز است و دیگر، مربی خارجی که انبیا و راهنمایان طرق سعادت و شقاوت می‌باشند»^(۷)

امام (ره) از وجود سه قوه در باطن انسان یاد می‌کند و آن را سرچشمه تمام ملکات حسنه و سیئه و منشا تمام صور غیبیه ملکوتیه می‌داند. این سه قوه عبارتند از: «واهمه»، «غضبیه» و «شهوویه». که افراط و تفریط در هر یک، برای انسان مضر است. امام (ره) ضمن اشاره به حدیث امام صادق (ع)؛ «الغضب مفتاح کلّ شرّ»؛ خشم کلید همه شرهاست^(۸)، می‌فرماید: «بیشتر فتنه‌های بزرگ و کارهای فجیع در اثر غضب و اشتعال آن واقع شده است»^(۹)

۲-۱- سیاست فرد غیر مهذب

امام (ره) سیاست خارجی دولتهای دست نشانده و قدرتهای بزرگ را مرتبط با قوای باطنی و عدم تهذیب دانسته و درباره اقدامات و رفتارهای آنها می فرماید:

«به هر کس دستش رسید، با قهر و غلبه ظلم کند و هر کس با او مختصر مقاومتی کند هر چه بتواند با او بکند و با اندک ناملایمی جنگ و غوغا به پا کند و به هر وسیله شده، مضار ناملايمات خود را از خود دور کند و لو منجر به هر فسادى در عالم هم بشود... و همین طور قوه غضب در انسان طوری مخلوق است که اگر مالک الرقاب مطلق یک مملکت شود، متوجه مملکت دیگر می شود که آن را به دست نیاورده، بلکه هر چه به دستش بیاید، در او این قوه زیادتر می شود. هر کس منکر است، مراجعه به حال خود کند و به حال اهل این عالم از قبیل سلاطین و متمولین و صاحبان قدرت و حشمت، آن وقت خود تصدیق ما را می کند.»^(۱۰)

امام در بیانات خود درباره وضع سلاطین و صاحبان قدرت، به بررسی سیاستگزاری رژیم دست نشانده پهلوی می پردازد و می فرماید:

«رژیم دست نشانده پهلوی در مدت بیش از پنجاه سال، این کشور از هر جهت به سقوط کشانده بود و ذخایر سرشار آن را به نفع جیب اجانب؛ خصوصاً انگلستان و امریکا، ریخته و باقی مانده آن را به نفع خود و انگلستان و سرسپردگان خود برداشت کرده و ما را با مشکلات بسیار روبرو کرده است.»^(۱۱)

امام (ره) علت وضع جهت گیریهای سیاست خارجی دوره پهلوی را ناشی از یک مسأله روحی در شخص رضا شاه و پسرش و سیاستمداران غیر مهذب خارجی می داند و می فرماید:

«اینکه این عمل را آنها انجام می دادند، یک نکته روحی دارد و آن، این است که انسان در باطن خودش و فطرت خودش تناهی ندارد. آمالش غیر متناهی است، و قوف نمی کند. آمال انسان وقتی که این طور است، اگر انسان اسیر همین آمال غیر متوقف بشود و ببیند که یک ابر قدرتی این آمال او را و آن خواسته های مادی او را و آن قدرت او را سلطه او را بر ملت خودش حفظ می کند، او دیگر در بند این نیست که

برای ملت کار بکند؛ برای اینکه از طبقه مرفه‌است و از طبقه قدرتمند است و قدرتمندی هم و همین‌طور حب مال و جاه هم حدی ندارد، مرزی ندارد. آن برای حفظ قدرت خودش و پشتوانه‌ای که دارد، برای این حفظ قدرت با ملت آن می‌کند که همیشه حیثیت ملت و گنجینه‌های ملت را در دسترس او قرار بدهد و یک سهم ناچیزی هم برای خودش قرار بگیرد.»^(۱۲)

امام (ره) سیاستهای تهاجمی و ورود قدرتهای خارجی به کشورهای جهان سوم و ممالک اسلامی را ناشی از زمامداری می‌داند که بدون توجه به مصالح ملتها برای دستیابی به قدرت و مطامع خود به هر اقدامی دست می‌زنند.^(۱۳) از دیدگاه ایشان مشکل، دنیای امروز که گرفتار جنگ و خونریزی است، ناشی از افراد غیر مهذب است^(۱۴) و وقوع دو جنگ جهانی اول و دوم و سایر فجایع جهانی را ناشی از این می‌داند که اسلحه در دست افراد غیر صالح است^(۱۵) امام (ره) در این رابطه چنین می‌گوید:

«وقتی سیاستمداری به طریقه اخلاقی انسانی نباشد، او چاقوکش از کار در می‌آید، اما نه چاقوکش سر محله؛ [بلکه] چاقوکش در یک منطقه وسیعی در دنیا. اینکه در روایت هست که اِذَا فَسَدَ الْعَالِمُ فَسَدَ الْعَالَمُ، مصداق بالاترش همینها هستند که علمای سیاست هستند، فاسد هستند، عالم را به فساد کشاندند... اگر اینها حذف بشوند از دنیا، مردم آرامش بهتری پیدا می‌کنند.»^(۱۶)

امام (ره) درباره اینکه چرا سیاستمداران بزرگ و ابرقدرتها به سمت سیاستهای تهاجمی و چپاولگرانه می‌روند و این حرکت در سیاست خارجی آنها وقفه بردار نیست می‌فرماید:

«این ابرقدرتها که ما اسمش را ابرقدرت می‌گذاریم، تمام قدرتش را روی هم می‌گذارند و صرف آمال حیوانی و شیطانی می‌کنند، به آن هم درست نمی‌رسند. اگر بنا بود که به آن چیزی که می‌خواهند برسند که باید وقوف کنند. اینکه می‌بینید که این ابرقدرتها جلو می‌روند و هر چه داشته باشند، باز یک قدم جلوتر می‌روند و اگر تمام این دنیا را هم داشته باشند، باز کافی برایشان نیست...^(۱۷) و تمام مقصد این جنایتکاران رسیدن به یک نقطه است؛ قدرت، قدرت برای کوبیدن هر کس که در

مقابلشان است»^(۱۸)

۳-۱- سیاست فرد مهذب:

از دیدگاه امام (ره)، اگر فرد مهذب؛ یعنی انسانی که خود را تحت تربیت انبیا^(۱۹) قرار داده است، در رأس امور سیاسی قرار گیرد، جهت‌گیری سیاست خارجی آن بر مبنای لاشریقه و لاغریه خواهد بود و این امر، ریشه در صراط مستقیم دارد. امام (ره) ضمن بیان مفهوم صراط مستقیم در سیاست خارجی، سیاست نه شرقی و نه غربی را مبنایی ابدی و تخلف ناپذیر در سیاست خارجی ایران اسلامی می‌داند.^(۲۰) امام درباره مفهوم صراط مستقیم می‌فرماید: «...حق تعالی به مقام اسم جامع و رب الانسان بر صراط مستقیم است، چنانچه فرماید ان ربی علی صراط المستقیم.»^(۲۱)

امام (ره) ضمن بیان آیه شریفه «أَفَمَنْ يَمْشِي مَكْبًا عَلٰی وَجْهِهِ أَهْدٰی اَمْ مَنْ يَمْشٰی سَوِيًّا عَلٰی صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» می‌گوید: «در احادیث شریفه، در ذیل آیه شریفه، «صراط مستقیم» را به حضرت امیر المؤمنین و حضرات ائمه معصومین علیهم السلام تفسیر فرمودند.»^(۲۲) امام (ره) مؤمنین را تابع انسان کامل می‌داند که سیر و قدم خود را جای قدم او گذارد و به نور هدایت و مصباح معرفت او سیر کنند.^(۲۳) امام (ره) در جمع اعضای وزارت امور خارجه، سیاست نه شرقی و نه غربی را با توجه به صراط مستقیم اینگونه بیان می‌کند:

«بنابر این، وقتی ما می‌توانیم در مقابل همه دنیا بایستیم [و بگوییم ما نه طرف «مغضوب علیهم» می‌رویم و نه طرف «ضالین»، نه طرف غرب می‌رویم؛ و نه طرف شرق می‌رویم وقتی ما می‌توانیم این طور باشیم و به صراط مستقیم عمل بکنیم که همه ما با هم باشیم، ی‌واحد باشیم...»^(۲۴)

امام (ره) با توجه به سیاست نه شرقی و نه غربی، استراتژی ایران اسلامی را سیاست واقعی عدم تعهد می‌داند و تأکید می‌نماید که از این سیاست عدول نخواهد شد^(۲۵)؛ زیرا دوام و قوام جمهوری اسلامی بر پایه این سیاست استوار است^(۲۶) و در چارچوب همین سیاست، استقلال، آزادی، حمایت از محرومین و مستضعفان، مبارزه با ظلم و ستم و سایر نقشها و اهداف جمهوری اسلامی شکل می‌گیرد. امام (ره) در مقایسه انقلاب

اسلامی با دیگر انقلابها، یکی از ویژگیهای اساسی آن را در سیاست لاشرقیه و لاغریه می‌داند^(۲۷) و در وصیتنامه خود می‌فرماید:

«من اکنون به ملتهای شریف ستم‌دیده و به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که از این راه مستقیم الهی که نه به شرق ملحد و نه به غرب ستمگر کافر وابسته است؛ بلکه به صراطی که خداوند به آنها نصیب فرموده است، محکم و استوار و متعهد و پایدار پای بند بوده و لحظه‌ای از شکر این نعمت غفلت نکرده، دستهای ناپاک عمال ابر قدرتها، چه عمال خارجی و چه عمال داخلی بدتر از خارجی، تزلزلی در نیت پاک و اراده آهنین آنان رخنه نکنند...»^(۲۸)

۲- متغیر محیط

متغیرهای محیطی را به دو دسته کلی محیط داخلی (کشوری) و محیط عملیاتی (نظام بین‌المللی) تقسیم نموده‌اند^(۲۹). امام (ره) ضمن رجوع به باطن انسان و بیان تأثیر آن، در اعمال و اقدامات فرد سیاست‌گزار، متغیرهای هر دو محیط را در ارتباط با متغیر انسان توضیح می‌دهد.

۲-۱- محیط داخلی

از آنجا که متغیرهای محیط داخلی متعدد است، صرفاً به سه متغیر به صورت خلاصه اشاره می‌شود.

الف- نوع حکومت؛

ب- نوع جامعه؛

ج- امکانات و تواناییها.

الف- نوع حکومت

تاکنون درباره انواع حکومت تقسیم‌بندیهای متفاوتی ارائه شده است. آنچه مسلم است، سیاست داخلی و خارجی کشورها تحت تأثیر نوع هدف و ساختارهای حکومتی می‌باشد.

امام (ره) در کتاب ولایت فقیه، ضمن اشاره به حکومتهای استبدادی، سلطنتی،

مطلقه، مشروطه متعارف، شاهنشاهی و امپراطوری، درباره حکومت اسلامی می‌فرماید: «حکومت اسلامی، حکومت قانون است. در این طرز حکومت، حاکمیت منحصر به خداست و قانون فرمان و حکم خداست.»^(۳۰)

امام (ره) پس از ذکر شرایط عامه مثل عقل و تدبیر، دو شرط علم به قانون و عدالت را برای زمامدار بیان می‌کند^(۳۱). و معتقد است؛ اگر این سیره حفظ می‌گردید، خضوع در مقابل آمریکا و انگلیس واقع نمی‌شد:

«هرگاه این سیره حفظ می‌شد و حکومت به شیوه اسلامی بود، نه تسلط بر جان و مال مردم، نه سلطنت و نه شاهنشاهی، این ظلمها و غارتگریها و دستبرد به خزانه عمومی و فحشا و منکرات واقع نمی‌شد....»

اگر این تشریفات پر خرج سلطنتی و این ریخت و پاشها و اختلاسها نبود، بودجه مملکت کسری نمی‌آورد تا در برابر آمریکا و انگلیس خاضع شوند و تقاضای قرض و کمک کنند... از طرف دیگر، تشکیلات اداری زائد و طرز اداره توأم با پرونده سازی و کاغذ بازی که از اسلام بیگانه است، خرجهایی بر بودجه مملکت تحمیل می‌کند که از خرجهای حرام نوع اول، کمتر نیست.»^(۳۲)

ب - نوع جامعه

جامعه مورد نظر امام (ره)، جامعه‌ای توحیدی است^(۳۳) که برخی از ویژگیهای آن، عبارتند از: هدفمند بودن،^(۳۴) نظم،^(۳۵) وحدت و استقلال خواهی.^(۳۶)

امام (ره) در تعریف جامعه توحیدی می‌فرماید: «جامعه توحیدی، عبارت از جامعه‌ای است (توحیدی به معنای حقیقی، نه به آن معنای غلطی که گفته شده است)... که با حفظ همه مراتب یک نظر داشته باشد؛ کانه یک موجودند.»^(۳۷)

از دیدگاه امام (ره)، انسان به منزله جامعه توحیدی است... مغز، فرمان می‌دهد. دست، فرمان می‌برد؛ اما همه یک راه دارند، همه برای این است که این کشور فردی را (انسانی) را اداره کنند^(۳۸) و در جامعه توحیدی همه قوا در خدمت به اسلام است. از دیدگاه امام (ره)، وجه دیگر جامعه توحیدی، نظم آن است. در صورتی که جامعه دچار بی‌نظمی و هرج و مرج شد، دنیا حکم می‌کند که این کشور قیم لازم دارد و زمینه برای

آوردن قیم فراهم می‌شود. به علاوه در زمان هجوم دشمن، دیگر نمی‌توان از کشور دفاع کرد و از طرفی، کشورهایی که دولت اسلامی را الگو قرار داده‌اند، دیگر به آن اقتدا نمی‌کنند. (۳۹)

از نظر امام (ره)، با استقرار نظم، وحدت و انسجام حاصل می‌شود و تمام پیروزی و پیشرفت کشور اسلامی ناشی از وحدت و انسجام است که خود باعث حفظ نظام می‌گردد. (۴۰)

ج - امکانات و تواناییها (منابع قدرت)

منابع قدرت را به دو دسته مادی و معنوی تقسیم می‌کنند. امام (ره) ضمن توجه به منابع مادی قدرت، بیشترین اهمیت را به منابع معنوی قدرت می‌دهند. ایشان امدادهای غیبی، ایمان مردم، وحدت و روحیه شهادت طلبی را از عوامل پیروزی انقلاب می‌دانسته و می‌فرماید:

«ما به قدرت طبیعی بر این مشاغل و بر این مصیبت‌هایی که وارد شده است، فائق

نیامده‌ایم؛ برای اینکه قدرت ما بر حسب طبیعت یک قدرت بسیار ناچیزی

بود... ملت ما که در این نهضت پیروز شد، این فقط برای اتکال به خدا بود.» (۴۱)

امام (ره) در زمینه منابع معنوی قدرت، تأکید زیادی بر باورهای ذهنی مردم دارند و

در این مورد معتقد است:

«اگر افکار تان و باور تان این باشد که ما می‌توانیم مستقل باشیم، وابسته به غیر

نیاشیم، خواهید توانست... اگر شماهایی که در صنعت هستید و در پرسنل صنعتی

کار می‌کنید... این باور را داشته باشید... که می‌توانید صنّاع باشید و می‌توانید

کارهای ابتکاری بکنید، خواهید توانست.» (۴۲)

در قلمرو منابع مادی قدرت امام ضمن تأکید بر نو سازی و صنعتی شدن کشور (۴۳)،

یکی از منابع مادی دولت اسلامی را منابع مالی آن می‌داند که از جمله آنها مالیات،

خمس، انفال... می‌باشد.

امام مالیات را بر دو گونه تقسیم می‌نماید که عبارتند از: مالیات اجباری و مالیات

اختیاری. مالیاتهای اجباری، خود بر دو گونه است: مالیات سالیانه و مالیات فوق العاده.

مالیات فوق العاده که در شرایط انقلاب و بحرانی مصداق دارد، غیر محدود است و دولت در صورت صلاح می تواند به عنوان قرض و یا مالیات غیر مستقیم و فوق العاده به مقدار نیاز کشور با تقسیم عادلانه دریافت دارد و آن را برای استقلال کشور اسلامی خرج نماید. (۴۴)

۲-۲- محیط عملیاتی (محیط خارجی)

سیاست خارجی تحت تأثیر متغیرهای متعدد محیط بین المللی است که از جمله آنها نظام بین الملل، دولتها، ملتها، سازمانها و حقوق بین المللی است. دیدگاهها و نظرات امام (ره) پیرامون این متغیرها بسیار گسترده است که در اینجا صرفاً به چند مورد به صورت خلاصه اشاره می شود.

الف - نظام بین الملل

از نظر امام (ره)، ساختار نظام بین الملل همچنان فاقد قدرت فائده است (۴۵) و منطق قدرتهای بزرگ بر آن حاکم می باشد. این قدرتها با هر کشوری که بخواهد مستقل باشد، وحشیانه مقابله نموده و دست از توطئه بر نمی دارند. (۴۶) امام با توجه به موانع محیط عملیاتی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می فرماید:

«از آنجا که محرومیت زدایی، عقیده و راه و رسم زندگی ماست، جهانخوااران در این مورد ما را آزاد نگذاشته اند و برای ناتوان ساختن دولت و دست اندرکاران کشور ما، حلقه های محاصره را تنگتر کرده و بغض و کینه و ترس و وحشت خود را در این حرکت مردمی و تاریخی تا مرز هزاران توطئه سیاسی و اقتصادی ظاهر ساخته اند.» (۴۷)

ب - دولتها

امام (ره) دولتها را به دو دسته اسلامی و غیر اسلامی تقسیم نموده و رابطه با آنها را چنین ترسیم می کند:

«دولتهای اسلامی با ما روابط دارند، آن هم تا حدی که روی مصالح اسلام، روی مصالح مسلمین باشد، ما با آنها روابط داریم... دول غیر اسلامی هم هر

کدامشان با ما بخواهند با عدالت رفتار بکنند، ما را به حساب بیاورند... تفاهم می‌کنیم و به استثنای اینکه باید آن ظلمهایی که به ما کرده است، باید جبران کند.»^(۴۸)

امام (ره) سیاست انزوا را مردود دانسته^(۴۹) و قطع رابطه با دولت‌ها را بر خلاف عقل و شرع ذکر می‌کند؛^(۵۰) زیرا بر قراری رابطه برای پیشرفت و حفظ نظام لازم است.

ج - ملت‌ها

امام (ره) در رابطه با تأثیر ملت‌ها بر سیاست خارجی ایران اسلامی، به دو مشکل مسلمین اشاره می‌کند که شامل اختلاف میان دولت‌ها و اختلاف دولت‌ها با ملت‌ها است. از نظر ایشان، علت عدم حمایت ملت‌ها از دولت‌ها رفتار نامناسب دولت‌هاست. (۵۱) ایشان در این رابطه می‌فرماید: «مشکل اسلام، دولت‌های اسلامی است نه ملت‌ها،^(۵۲) اگر این مشکل از پیش پای مسلمین بر داشته شود، مسلمین به آمال خودشان خواهند رسید و راه حلش به دست ملت‌هاست.»^(۵۳)

۳- متغیر نقش

نقش‌های ملی به آن دسته از تعهدات و وظایفی اطلاق می‌شود که دولت خواهان ایفا و اجرای آنهاست. نقش‌ها از یک طرف با جهت‌گیریها و از سوی دیگر، با اهداف سیاست خارجی رابطه نزدیک دارد.^(۵۴) دولت اسلامی نیز در سیاست خارجی برای خود دارای نقش‌هایی است که مهمترین آنها را می‌توان به صورت زیر بیان نمود:

۱- دولت مستقل و فعال؛

۲- حفظ نظام و تمامیت ارضی کشور؛

۳- دولت الگو؛

۴- مخالفت با وضع موجود؛

۵- حامی ملل محروم و مستضعف؛

۶- عامل وحدت بخش؛

۷- دولت میانجی؛

۸- حامی عدالت جهانی؛

۹- حامی حکومت جهانی اسلام.

نظرات حضرت امام (ره) را می توان درباره نقشهای فوق بیان نمود؛ ولی در اینجا به اختصار به چند مورد اشاره می شود.

۳-۱- دولت مستقل و فعال

مقصود از استقلال در سیاست خارجی یک کشور، استقلال در سه مرحله سیاستگزاری، تصمیم گیری و اجرای تصمیم است که مصادیق آن، در زمینه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، دفاعی و غیره ظاهر می شود. گرچه در نگاه اول، استقلال سیاسی با اهمیت به نظر می رسد؛ اما از دیدگاه امام (ره)، استقلال فرهنگی مهمتر از آن است. از آنجاکه امام (ره) بر متغیر انسان و باورها و ذهنیتهای فردی تأکید دارد، خودیابی و خودباوری فکری را شرط دستیابی به استقلال کشور می داند. امام (ره) در این رابطه می فرماید:

«اساس، باور این دو مطلب است: باور ضعف و سستی و ناتوانی و باور قدرت و

قوه و توانایی. اگر ملت این باور را داشته باشد که ما می توانیم در مقابل قدرتهای

بزرگ بایستیم، این باور، اسباب این می شود که توانایی پیدا می کنند و در مقابل

قدرتهای بزرگ ایستادگی می کنند.»^(۵۵)

امام (ره) مبدأ همه خوشبختی ها و بدبختی های یک ملت را فرهنگ آن دانسته و

می فرماید:

«راه اصلاح یک مملکتی، فرهنگ آن مملکت است. اصلاح باید از فرهنگ

شروع شود... برای اینکه از فرهنگ است که در وزارتخانه ها می رود، از فرهنگ

است که در مجلس می رود، از فرهنگ است که کارمندان دولت می شود.»^(۵۶)

از دیدگاه امام (ره)، دولت اسلامی نه تنها باید در راه استقلال فرهنگی، سیاسی

اقتصادی و... بکوشد؛ بلکه باید نسبت به جریانات بین المللی حساس باشد و برای اصلاح

آن، اقدام نماید. از نظر ایشان، منطق دولت اسلامی بر اساس منطق انبیا است و با توجه به

آیه شریفه «اشداء علی الکفار رحماء بینهم»، می فرماید: «منطق انبیا این است که «اشداء»

باید باشند بر کفار و یرکسانی که بر ضد شریعت هستند [و] بین خودشان رحیم باشند و آن شدت هم رحمت است بر آنها» (۵۷)

۳-۲- حفظ نظام اسلامی و تمامیت ارضی کشور

امام (ره) در کتاب بیع، در بحث شؤن و اختیارات ولی فقیه و در کتاب ولایت فقیه، در بحث لزوم تشکیل حکومت اسلامی، حفظ نظام اسلامی را از واجبات الهی تلقی نموده و می‌فرماید: «حفظ مرزهای کشور اسلامی از هجوم بیگانگان و جلوگیری از تسلط تجاوزگران بر آن، عقلاً و شرعاً واجب است.» (۵۸)

همچنین در کتاب ولایت فقیه، در ذیل احکام دفاع ملی با توجه به آیه «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة...» می‌فرماید: «آیه دستور می‌دهد که تا حد امکان نیرومند و آماده باشید، تا دشمنان نتوانند به شما ظلم و تجاوز کنند.» (۵۹)

۳-۳- دولت الگو (سرمشق)

امام (ره) با توجه به ویژگیهای انقلاب اسلامی و ملت ایران، آن را برای سایر ملتها الگو و سرمشق می‌داند و با توجه به آیه شریفه «ان الله لا یغیروا ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم»، تحول در ملت ایران را یک تحول نفسانی می‌داند که نتیجه آن، رفتن یک رژیم طاغوتی و آمدن یک رژیم اسلامی شد. (۶۰) لذا درباره ملت ایران می‌فرماید:

«من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر،

بهبتر از ملت حجاز و عهد رسول الله صلی الله علیه واله و کوفه عراق در امیر المؤمنین

و حسین ابن علی صلوات اعلیٰهما می‌باشند.» (۶۱)

امام در وصیتنامه خویش نیز چنین می‌گوید:

«آنچه که شما ملت شریف و مجاهد برای آن به پا خاستید و دنبال می‌کنید و برای

آن جان و مال نثار کرده و می‌کنید، والاترین و بالاترین و ارزشمندترین مقصدی

است و مقصودی است که از صدر عالم در ازل و از پس این جهان تا ابد عرضه

شده است و خواهد شد آن مکتب الوهیت به معنای وسیع آن و ایده توحید با ابعاد

رفیع آن است که اساس خلقت و غایت آن در پهناور وجود و در درجات و مراتب

غیب و نمود است.» (۶۲)

با توجه به مطالب فوق، امام می فرماید:

«و اما به ملت‌های اسلامی توصیه می‌کنم که از حکومت جمهوری اسلامی و از ملت مجاهد ایران الگو بگیرید و حکومت‌های جائر خود را در صورتی که با خواست ملت‌ها که خواست ملت ایران است سر فرود نیاوردند، با تمام قدرت به جای خود بنشانید که مایه بدبختی مسلمانان، حکومت‌های وابسته به شرق و غرب می‌باشند.»^(۶۳)

امام، ملت ایران را برای سایر ملت‌ها حجت می‌دانند و می‌فرماید: «ملت ایران اعزّه‌م راه عذر‌ها را مسدود نموده و اثبات نمود که در مقابل قدرتهای بزرگ، می‌توان ایستاد و حق انسانی خود را باز پس گرفت.»^(۶۴)

۳-۴- مدافع اعتقادی خاص و گسترش آن

حضرت امام (ره) اسلام امریکائی را از اسلام ناب محمدی (ص) متمایز ساخته و ملت و دولت اسلامی را موظف به دفاع و گسترش آن می‌دانند و در این راستاست که صدور انقلاب ایران معنا و مفهوم می‌یابد. امام دربارهٔ مرز اسلام ناب محمدی (ص) با اسلام آمریکائی می‌فرماید:

«اسلامی که پرچمداران آن، پابرهنگان و مظلومین و فقرای جهانند و دشمنان آن، ملحدان و کافران و سرمایه‌داران و پول پرستانند، اسلامی که طرفداران واقعی آن همیشه از مال و قدرت بی‌بهره بوده‌اند و دشمنان حقیقی آن زراندوزان حیل‌گرو و قدرت‌مداران بازیگر و مقدس‌نمایان بی‌هنرند...»^(۶۵)

از دیدگاه امام (ره)، فلسفه گسترش اسلام ناب محمدی (ص)، در رسالت جهانی اسلام به منظور اقامه نظام عادلانه جهانی قرار دارد و منظور از صدور انقلاب، همان گسترش اسلام است.^(۶۶) امام در این رابطه معتقد است: «ما با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی (ص) است، به سیطره و سلطه و ظلم جهان خواران خاتمه می‌دهیم.»^(۶۷)

بر اساس مطالب فوق، هر کشوری برای خود نقش‌های قائل است که در چارچوب استراتژی سیاست خارجی شکل می‌گیرد و بر اساس آن، اهداف سیاست خارجی خود

را ترسیم می‌کند. در این نوشتار برخی، نقشهای دولت اسلامی با توجه به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطرح شد و بررسی نقشهای دول غیر اسلامی را به وقت دیگری موکول می‌نمائیم.

نتیجه:

آنچه مطرح شد بیان مختصری از چارچوب کلی مبانی نظری سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (ره) بود. در این بحث نظری که نیازمند تحقیق و پژوهش بیشتری است مطالعه سیاست خارجی با توجه به سه متغیر انسان، محیط و نقشها مورد بررسی قرار گرفت از پژوهش انجام شده می‌توان استنباط نمود که نقطه عزیمت امام (ره) در نگرش به سیاست خارجی و داخلی، انسان و رفتار اوست بنابراین با استفاده از سطح تحلیل خرد بهتر می‌توان نظرات امام (ره) را مطالعه نمود. از دیدگاه امام (ره) همچنان که برای انسان صراط مستقیم وجود دارد برای دولت و زمامداران نیز صراط مستقیم متصور است و تجلی آن در سیاست خارجی همان سیاست نه شرقی و نه غربی است، اگر دولتی در صراط مستقیم قرار گیرد، استراتژیها، اصول، اهداف و عملکرد سیاست خارجی او نیز استمرار حرکت انبیا علیهم السلام خواهد بود. امام (ره) ضمن توجه به عوامل محیطی داخلی و بین‌المللی مؤثر بر سیاستگزاری خارجی، بر تقویت باورها و ذهنیت عامه مردم، بیداری و آگاه شدن ملتها جهت تحقق اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی تأکید دارند. از دیدگاه امام (ره) صدور انقلاب که همان صدور اسلام ناب محمدی (ص) است، رسالت و تعهد دولت اسلامی می‌باشد و حمایت از ملل محروم و مستضعف و حمایت از حکومت جهانی اسلام و سایر نقشهای دولت اسلامی در این راستا مفهوم و معنی می‌یابد.

امید است مطالب بیان شده مقدمه‌مباحث گسترده‌تر و مفیدتر در شناخت ابعاد نظری آراء و اندیشه امام خمینی در قلمرو سیاست خارجی قرار گیرد.

پی‌نویسها:

۱. جهت مطالعه ماهیت نظام بین‌المللی ر.ک: Hedley, Bull: The Anarchical Society. (london: The Macmillam press.LTD 1977) PP.3 _ 52
 ۲. ر.ک. حسین سیف زاده، مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی تهران ۱۳۷۵، صص ۱۲۸-۱۴۸.
 ۳. ر.ک: همان.
- همچنین برای مباحث نظریه پردازي در سیاست خارجی ر.ک:
- Theodore A.Coulombis and James H.Wolfe : Introduction to Internatioal Relioms: Power and justice
(New Delhi: Prentice Hall of India Private Iimltd, 1986) PP. 125_ 148.
۴. ر.ک: James.N.Rosenau, 'The scientific Study of Foreign Policy.
 ۵. ر.ک: William .o. Chittick. The Analysis of Foreign Policy Outputs U.S.A: charles E.Merrill Publshiny Company.
 ۶. امام خمینی، شرح چهل حدیث مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، ۱۳۷۵، ص ۵.
 ۷. همان، ص ۲۳۷ و ۲۷۲.
 ۸. همان، ص ۱۳۳.
 ۹. همان، ص ۱۳۷؛ همچنین درباره علت وجود این قوا در انسان، ر.ک: امام خمینی، طلب و اراده، شرح و ترجمه سید احمد فهری، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۵۶؛ و شرح چهل حدیث، ص ۹.
 ۱۰. همان، ص ۱۹.
 ۱۱. در جستجوی راه از کلام امام (دفتر چهاردهم)، استعمار و ابرقدرتها امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲ ص ۲۹۵.
 ۱۲. در جستجوی راه از کلام امام (دفتر بیست و دوم)، فرهنگ و تعلیم و تربیت، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۴، صص ۱۶۱-۱۶۰.

۱۳. همان، ص ۱۷۵.
۱۴. صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره)، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران، جلد ۱۱، ص ۱۴.
۱۵. صحیفه نور، ج ۲، ص ۲.
۱۶. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۷۵.
۱۷. در جستجوی راه از کلام امام (دفتر چهاردهم)، ص ۶۲.
۱۸. همان، ص ۵۹.
۱۹. صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۰۳.
۲۰. فریاد بوائت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ص ۱۴.
۲۱. شرح چهل حدیث، ص ۵۳۱.
۲۲. همان، ص ۵۳۳؛ سوره ملک، آیه ۲۲.
۲۳. همان، ص ۵۳۱.
۲۴. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۹۴.
۲۵. صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۱۴، ج ۲۱، ص ۳۶، ج ۱۲، ص ۱۲۲.
۲۶. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۳۶.
۲۷. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۵.
۲۸. صحیفه انقلاب، ص ۵.
۲۹. ر. ک. جیمز باربر - مایکل اسمیت، ماهیت سیاست‌گذاری خارجی در دنیای وابستگی متقابل کشورها ترجمه و تحشیه حسین سیف‌زاده، نشر قومس، تهران، (۱۳۷۲) صص ۱۲۳ - ۱۹۰.
۳۰. امام خمینی، ولایت فقیه [بی نا]، [بی جا]، [بی تا] ص ۵۴.
۳۱. همان، ص ۵۸.
۳۲. همان، ص ۵۷-۵۸.
۳۳. صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۳۶.
۳۴. همان، ص ۱۳۶.
۳۵. همان، ص ۱۳۹.
۳۶. همان، صص ۱۳۹ - ۱۴۰.
۳۷. همان، ص ۱۳۶.
۳۸. همان، ص ۱۳۶.
۳۹. همان، صص ۱۳۹ - ۱۴۰.
۴۰. همان، صص ۱۱۰ و ۲۲۳.
۴۱. گزیده‌های از اندیشه و آراء امام خمینی، آیین انقلاب اسلامی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۶۷.

۴۲. همان، ص ۱۷۹.
۴۳. همان، ص ۴۷۱.
۴۴. جهت مطالعه بیشتر ر. ک. همان، ص ۴۶۴.
۴۵. نهضت‌های رهایی بخش در کلام امام، نخست وزیری، تهران، [بی تا] ص ۱۴.
۴۶. صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۶۵.
۴۷. فریاد بوائت، پیشین، ص ۴۳.
۴۸. صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۳۶.
۴۹. در جستجوی راه از کلام امام (دفتر چهاردهم)، پیشین، ص ۴۰۰.
۵۰. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۷۳.
۵۱. آئین انقلاب اسلامی، ص ۵۱.
۵۲. صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۹۳.
۵۳. صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۷۸.
۵۴. در بیان انواع نقش‌های دولت اسلامی و مفهوم آن، از کتاب زیر استفاده شده است:
کی. جی. هالستی. مبانی تحلیل سیاست بین الملل، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۳، صص ۱۹۹-۲۰۸.
۵۵. در جستجوی راه از کلام امام (دفتر بیست و دوم)، ص ۲۰۵.
۵۶. همان، ص ۱۸۳.
۵۷. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۵۶.
۵۸. شئون و اختیارات ولی فقیه، ص ۲۳.
۵۹. ولایت فقیه، ص ۳۸.
۶۰. آیین انقلاب اسلامی، صص ۱۷۲-۱۷۳.
۶۱. همان، ص ۴۴۹.
۶۲. صحیفه انقلاب، ص ۳۵.
۶۳. همان، ص ۱۳.
۶۴. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۲.
۶۵. آیین انقلاب اسلامی، ص ۴۶۰.
۶۶. صحیفه نور، ج ۱۱ صص ۲۱-۲۸.
۶۷. در جستجوی راه از کلام امام (دفتر دهم)، ص ۴۳۵.